

## واکاوی شادی مؤمنان در آیات ابتدایی سوره روم در پرتو نقد قرائت آیات

مجید زارعی\*  
حامد دژآباد\*\*

### چکیده

یکی از وجوه اعجاز قرآن، اخبار از غیب و پیشگویی نسبت به آینده است. از این رو برخی از مفسران، شادی مؤمنان در آیات ابتدایی سوره روم را تحت سیطره این فضای فکری تحلیل نموده‌اند. نظر به اهمیت کشف مراد الهی از این فراز سوره روم، پژوهش حاضر با عرضه یک طبقه‌بندی مناسب از اختلاف قرائت در آیات یادشده، سعی در بازخوانی شادی مؤمنان دارد. پس از نقد آراء مختلف در این زمینه، نتایج تحقیق حاکی از آن است که شادی مؤمنان در پرتو قرائت مشهور و از «نصر الله» نشأت یافته که این نصرت، همان وعده قطعی الهی بر پیروزی دین حق در همه ابعاد آن خواهد بود. در این میان، تحقق غلبه روم بر ایران، به مثابه نشانه صدقی است که در ظرف وقوع آن، مؤمنان را با اطمینان به انجام وعده دیگر الهی؛ یعنی نصرت اهل ایمان، شادمان خواهد ساخت.

### واژگان کلیدی

سوره روم، شادی مؤمنان، اختلاف قرائت، نصرالله، وعده الهی.

majid.zarei@ut.ac.ir  
h.dejabad@ut.ac.ir  
تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۲

\*\* دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران.  
\*\*\* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).  
تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۲۱

## طرح مسئله

بی‌شک قرآن کریم، یگانه معجزه جاویدان پیامبر خاتم‌الصلوات از ابعاد گوناگون اعجاز برخوردار است که یکی از این وجوه، گزاره‌های غیبی آن است. اخبار غیبی به دو بخش اخبار از گذشته (با لحاظ اُمّی بودن پیامبر اکرم ﷺ) و اخبار به آینده تقسیم می‌شوند. قسم دوم نیز خود به دو بخش پیشگویی‌های تاریخی و اشارات علمی - تجربی قرآن (اعجاز علمی) که در زمان نزول، ناشناخته مانده است، منقسم می‌شود. (برای مطالعه بیشتر ر.ک: زرکشی، ۱۴۱۰: ۲ / ۲۲۸؛ باقلانی، ۱۴۲۱: ۲۹ - ۲۸؛ سیوطی، بی‌تا: ۲۴۰ - ۲۳۹) در این میان یکی از پیشگویی‌های تاریخی قرآن کریم در آیات ابتدایی سوره مبارکه روم جلوه‌گر شده است. پس از شکست امپراتوری روم از ایران، خدای متعال در این آیات، خبر از پیروزی حتمی گروه مغلوب بر غالب در طی کمتر از ۱۰ سال می‌دهد به گونه‌ای که این امر، موجب شادی و خوشحالی مسلمانان خواهد شد.

الم \* غَلَبَتِ الرُّومُ \* فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ \* فِي بَعْضِ سِنِينَ اللَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ \* بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ. (روم / ۵ - ۱)

الم، رومیان مغلوب شدند، در نزدیک‌ترین سرزمین [از ارضی شام به فارس] و آنان پس از مغلوب شدنشان به زودی پیروز خواهند شد، [البته] در ظرف چند سال. عاقبت و نتیجه کار پیش [از مغلوب شدن رومیان] و پس [از پیروزی رومیان] فقط در سیطره اراده و فرمان خداست و آن روز [که رومیان پیروز شوند] مؤمنان، شادمان و خوشحال خواهند شد، به سبب نصرت و یاری خدا، [آری او] هر کس را بخواهد یاری می‌دهد و تنها او توانای شکست‌ناپذیر و مهربان است.

در این میان، اکثر مفسران (به استثنای مفسر *تفسیر المیزان*) با پرداختن به بحث اعجاز غیبی در ذیل این آیات، شادی مؤمنان را تنها در این چارچوب تبیین نموده‌اند؛ اما شاید بتوان بدون تأثیرپذیری از این فضای فکری، به خوانش تفسیری جدیدی از آیه با توجه به انسجام کل سوره دست یافت. پژوهش حاضر بر این باور است که اگر علت خوشحالی مؤمنان هم‌زمان با تحقق این پیشگویی مشخص شود، مقصود اصلی خدای سبحان از ذکر این جریان نیز به درستی تبیین خواهد شد. در این صورت، جایگاه آیات ابتدایی سوره روم و نقشی که این آیات کریمه در جریان حاکم بر کل سوره ایفا می‌کنند، به خوبی روشن خواهد شد.

با توجه به تنوع آراء تفسیری فریقین در مورد این آیات و اختلاف قرائات پیرامون آن، اهمیت

تحقیق در این زمینه بر پژوهشگران حوزه تفسیر کاملاً مشخص است.

در مورد پیشینه این پژوهش می‌توان اظهار داشت که علاوه بر کتب تفسیری، که در این زمینه یک‌دست نبوده و از وحدت نظر برخوردار نیستند، در کتاب‌های علوم قرآنی نیز معمولاً به اصل این ماجرا به‌طور گذرا و به اجمال، اشاره شده است (ر.ک: معرفت، ۱۳۹۲: ۳۰۵ - ۳۰۴؛ خوئی، بی‌تا: ۷۱ - ۷۰؛ جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲۰۱ - ۲۰۰) همچنین چندین مقاله در زمان اخیر در این باره نگاشته و منتشر شده است (علیانسب، ۱۳۹۴: ۲۲ / ۸۶ - ۶۷؛ سلطانی بیرامی، ۱۳۹۵: ۱۷ / ۹۷ - ۷۴؛ احمدی، ۱۳۷۷: ۱۸ / ۳۱ - ۲۶) در این میان، برخی بر این باورند که با وجود مناقشات وارد بر نظر رایج مبتنی بر قرائت مشهور، همچنان می‌توان این نظر را مناسب‌ترین نظر دانست که البته با دیگر نظرهای مبتنی بر قرائت غیر مشهور قابل جمع خواهد بود (سلطانی بیرامی، ۱۳۹۵: ۱۷ / ۹۵ - ۹۴)؛ گروه دیگری با نقد نظر رایج، «پیروزی معنوی به جهت ظهور اعجاز قرآن» و «پیروزی مقارن با صلح حدیبیه» را دو وجه خالی از اشکال جهت تبیین خوشحالی مؤمنان دانسته‌اند (علیانسب، ۱۳۹۴: ۲۲ / ۷۹ - ۷۸)؛ و در نهایت برخی نیز با ارائه نظری که مستلزم پذیرش دو رأی غیر مشهور در دو حوزه قرائت و مکی و مدنی بودن این آیات است؛ سعی داشته‌اند تا شادی مؤمنان را در حیطه فتحی که نصیب خود آنان در جنگ با رومیان شده است، تبیین نمایند (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۸ / ۳۱ - ۳۰) نظر بر این پژوهش‌ها، نویسندگان در این اثر کوشیده‌اند تا اولاً تمامی نظرات پیرامون این آیه شریفه در باب تبیین شادی مؤمنان را إحصاء، طبقه‌بندی و نقد نموده و ثانیاً نظر جدیدی را به جامعه علمی تقدیم نمایند که مبتنی بر کلید واژگان خود این دسته از آیات همچون: «المؤمنون»، «بنصر الله» و «وعد الله» است. لذا پژوهش حاضر بر این باور است که نظر برگزیده، افقی کلان را به روی خواننده می‌گشاید که در دیگر آثار مشهود نیست.

با توجه به مسائل پیش گفته، نوشتار حاضر درصدد پاسخ‌گویی به سؤال‌های زیر است:

۱. قرائات گوناگون از این فراز از آیات، کدام است؟

۲. چه نقدهایی بر هریک از این قرائات وارد است؟

۳. علت شادی مؤمنان برپایه هریک از این قرائات چیست؟

پژوهه حاضر با روش تحلیلی - انتقادی کوشیده است تا پس از نقد و ارزیابی دیدگاه مفسران درباره این مسئله، نظر برگزیده را ارائه دهد.

## اختلاف قرائت‌ها

قرائت‌های مختلف از دو واژه «غلبت» و «سیغلیون» و همچنین اختلاف در مرجع ضمائر در عبارت

«وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلِبِهِمْ» سبب برداشت‌های گوناگون از این آیات شریفه شده است. در مورد قرائت واژه‌های «غلبت» و «سیغلبون» به‌طور کلی سه قول وجود دارد: ۱. قرائت مشهور که «غَلَبَتْ» و «سَيُغَلَّبُونَ» خوانده شده است؛ ۲. قرائت غیر مشهور که «غَلَبَتْ» و «سَيُغَلَّبُونَ» خوانده شده است و ۳. قرائت مأخوذ از روایات که «غَلَبَتْ» و «سَيُغَلَّبُونَ» وارد شده است. در مورد مرجع ضمیر «هُم» در عبارت «وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلِبِهِمْ» نیز دو دیدگاه عمده قابل بیان است: ۱. ناظر بر گروه مغلوب باشد و در نتیجه «غلبهم» از باب اضافه مصدر به مفعول باشد؛ ۲. اشاره به گروه غالب داشته و معنای ظاهری «غلبهم» (اضافه مصدر به فاعل) حفظ شود.

بر مبنای هر یک از این قرائت‌ها، خوشحالی مؤمنان به‌گونه‌ای متفاوت معنا خواهند یافت؛ لذا در ادامه، هر یک از این رویکردها گزارش و مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

### آراء و نظرهای مبتنی بر قرائت مشهور

همان‌گونه که گفته شد در قرائت مشهور که مطابق با روش قرائت حفص از عاصم نیز می‌باشد، «غَلَبَتْ» به شکل مجهول و «سَيُغَلَّبُونَ» به شیوه معلوم به‌کار رفته است. تحلیل شادی مؤمنان مبتنی بر این قرائت با سه نظر قابل پیگیری است.

#### الف) نظر رایج مبتنی بر شأن نزول

در این دیدگاه، شادی مؤمنان از پیروزی روم بر فارس در آینده‌ای نزدیک و در کمتر از ده سال نشئت می‌گیرد که قرآن کریم طبق یک پیشگویی به مسلمانان وعده می‌دهد. تفصیل این اجمال بدین شرح است که بر پایه روایاتی که بیشتر از بزرگان و متقدمان اهل سنت همانند مقاتل بن سلیمان، طبری، ابن‌ابی‌حاتم رازی و ... نقل شده است؛ در هنگام ظهور اسلام، جنگ‌های گسترده و دامنه‌داری بین دو امپراتوری بزرگ آن زمان؛ یعنی روم شرقی و فارس در جریان بود و در یکی از این جنگ‌ها که قبل از هجرت مسلمانان به مدینه رخ داد، امپراتوری روم از امپراتوری فارس در منطقه آذرغات و بصری (سوریه کنونی) شکست سختی خورد به‌گونه‌ای که آوازه آن به حجاز رسید. با شنیده شدن این خبر توسط مشرکان حجاز، آنها خوشحال شده چراکه فارس‌ها را همانند خود بت‌پرست می‌دانستند. اما در طرف مقابل، مسلمانان اندوهگین گشته و تمایل داشتند تا رومیان اهل کتاب بر ایرانیان وثنی غلبه کنند. به دنبال این ماجرا، آیات ابتدایی سوره روم در مکه نازل گشت و از پیروزی قریب‌الوقوع روم بر ایران در کمتر از ده سال (۱۰ - ۳ و بنابر قولی ۹ - ۳ سال) خبر داد. قرآن کریم در این آیات به صورت یک پیش‌گویی، وضعیت روحی مؤمنان در ظرف مُخْبِرَعَنَه را یک انبساط روحی و سرشار از

نشاط و خوشحالی معرفی می‌کند که حاصل غلبه روم بر فارس و همسو با مشترکات معنوی مسلمانان و اهل کتاب است. به دنبال این پیشگویی، ابابکر با اُبی بن خلف به‌عنوان نماینده مشرکان بر تحقق این وعده شرط‌بندی نمود و آن عبارت بود از صد شتر چاق و فربه که شخص بازنده باید پرداخت کند. پس از پیروزی ابوبکر و حاضر نمودن شتران در نزد رسول خدا ﷺ، ایشان تصرف در آن را جایز و حلال ندانسته و به او دستور می‌دهد که آن را صدقه دهد (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۳ / ۴۰۶؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۱ / ۱۶ - ۱۱؛ ابن‌ابی‌حاتم رازی، ۱۴۱۹: ۹ / ۳۰۸۷ - ۳۰۸۶، طوسی، بی‌تا: ۸ / ۲۲۸؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۶ / ۲۶۸ - ۲۶۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۱۵۲ - ۱۵۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۲۰) البته این نکته باید ذکر شود که در بعضی از روایات، به اصل این داستان، پرداخته شده و متعرض ماجرای شرط‌بندی ابوبکر نشده‌اند. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۱۵۱)

در فاصله زمانی ۶۲۸ - ۶۰۴ میلادی (۸ - ۷ بعثت) دو سردار معروف ایرانی به نام‌های «شهربراز» و «شاهین» شکست سختی را به امپراتوری روم شرقی تحمیل نمودند؛ به‌گونه‌ای که هرقل پادشاه روم تقاضای صلح کرد تا بلکه امپراتوری روم را که در معرض سقوط بود، از خطر انقراض نجات دهد. خسرو پرویز - پادشاه ایران - درخواست صلح را نپذیرفت اما رومیان در کمال ناباوری و با حفظ روحیه امیدواری توانستند از سال ۶۲۲ میلادی به بعد (سال‌های ۶۲۵ - ۶۲۳ م) حملات گسترده‌ای را علیه سامانیان تدارک دیده تا در نهایت با کشته شدن خسرو پرویز در سال ۶۲۸ میلادی، امپراتوری روم بر فارس پیروز شد. (یوسفی‌غروی، ۱۳۹۲: ۲ / ۱۳۱ - ۱۱۶؛ خان، ۱۳۸۶: ۱۹۰ - ۱۸۸؛ پیرنیا، ۱۳۷۵: ۲۲۵؛ کریستین سن، ۱۳۶۸: ۵۸۴) البته یادسپاری این نکته سودمند می‌نماید که قرآن کریم کتاب قصه و داستان نیست و در نقل قصه‌ها به‌خصوصیات زمان و مکان و اشخاص توجهی نشان نداده و بُعد هدایتی - تربیتی آنها را لحاظ نموده است.

### نقد و ارزیابی

فارغ از تطبیق تاریخی این داستان، بر این شأن نزول، نقدهایی وارد است:

۱. در مورد قضیه شرط‌بندی ابوبکر چندین اشکال وجود دارد:

الف) مضمون این روایات از حیث طرفین شرط‌بندی، مدت زمان مقرر و زمان سرآمد وعده دارای اختلاف‌های فراوانی است که به صحت این روایات خدشه وارد می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۱۶۳) از حیث ارزیابی سندی نیز، ترمذی در چند طریق خود به این متن، گرچه آن را حدیثی صحیح دانسته، اما در سلسله اسناد این روایات، «اسماعیل بن اُبی اویس» و «عبدالله بن عبدالرحمن الجمحی» وجود دارند که وثاقت آنها محل تردید است و بعضاً مورد تضعیف واقع شده‌اند (ابن‌جوزی،

۱۴۲۲: ۳ / ۴۱۵؛ همچنین شخصی به نام عکرمه (از گروه خوارج) به چشم می‌خورد که شهرت به دروغ داشته و از ضَعْفًا محسوب می‌شود. (عاملی، ۱۳۷۲: ۱۲۳)

ب) در پایان این روایات گزارش شده است که رسول خدا ﷺ به ابوبکر دستور می‌دهد از آنجا که این شتران، مصداق سُحت و مال حرام است، آن را صدقه بدهد. صدور این دستور در فضایی صورت گرفته است که از دو حال خارج نیست: نخست آنکه این دستور قبل از نزول آیات مربوط به تحریم قمار است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۳۶۰) و دیگر آنکه این دستور مربوط به پس از نزول آیات تحریم شرطبندی و قمار باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۱۶۳) پذیرش هر یک از این دو فرض، محذوری در پی داشته که صحت انتساب این قول به رسول خدا ﷺ را با چالش اساسی روبرو می‌کند. توضیح آنکه اگر این دستور قبل از تحریم قمار بوده است؛ پس چرا پیامبر اکرم ﷺ آن را سُحت نامیده است؟! و اگر این دستور بعد از تحریم قمار صادر شده، چگونه ممکن است رسول خدا ﷺ بر قرارداد حرامی صخه‌گذاری کرده و مضافاً نسبت به مال حرامی که صاحب آن معلوم است، دستور به تصدق دهد؟! از این رو این دستور با هیچ‌یک از موازین فقهی سازگار نیست (همان)

صاحب تفسیر روح المعانی به این اشکال توجه کرده و سعی داشته است تا توجیهی برای این مسئله ارائه دهد. ایشان می‌گویند که در صورت قبول فرض اول، این سُحت، سُحت حرام نبوده و بلکه سُحت ناشی از عار و ننگ و به دور از جوانمردی است که بازگشت آن به کراهت شدید است. همچنین در صورت پذیرش فرض دوم، محمد و ابوحنیفه از فقها، جواز انعقاد عقود فاسده در زمان جنگ را صادر کرده‌اند و لذا این استثنایی در حکم مزبور محسوب می‌شود. آنگاه جناب آلوسی با توجه به اینکه در صورت پذیرش فرض دوم، سُحت در هر حال معنای سُحت حرام را در پی خواهد داشت و با صدقه دادن سازگار نیست، قول اول را برگزیده است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۲۱ - ۲۰)

در پاسخ به جناب آلوسی باید گفت که:

اولاً منشأ استدلال ابوحنیفه همان‌گونه که خود متذکر شده است، همین روایت است که صحت مضمون آن محل بحث و اشکال است و این استفاده، مستلزم دور و باطل خواهد بود.

ثانیاً شواهد و قرائن زیادی نشان می‌دهد که تحریم شراب، قمار و زنا به همان اوائل بعثت نبوی مربوط می‌شود و لذا محال است پیامبر اکرم ﷺ خود عهده‌دار ارشاد ابوبکر به این امر حرام بوده باشد. از جمله این شواهد و قرائن، کاربست واژه «اثم» برای شراب و قمار در آیه ۲۱۹ سوره بقره است: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ» (بقره / ۲۱۹)؛ از سوی دیگر در سوره اعراف که از عتائق سُور و در مکه نازل شده است، «اثم» به‌عنوان یکی از مصادیق فعل حرام شمرده شده است:

«قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ» (اعراف / ۳: برای مطالعه سایر ادله و شواهد روایی و تاریخی ر.ک: عاملی، ۱۴۱۵: ۵ / ۳۰۰ - ۲۹۴)

ج) تسلیم این صد شتر از جانب مشرکان مکه به ابوبکر محل تردید است. چگونه می‌توان باور کرد که مشرکان که حتی به مسلمانان اجازه بردن اموال منقول و یا فروش اموال غیرمنقول خود در جریان هجرت از مکه به مدینه را ندادند؛ حال پس از جنگ بدر یا غیر از آنکه از مسلمانان شکست سختی خورده و دل به کینه آنان سپرده‌اند، یکصد شتر به آنها تقدیم کنند؟! (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۸ / ۲۹ - ۲۸)

۲. بنابر نظر برخی مفسران، مضمون این شرط‌بندی در تتمه همه اخبار شأن نزول، نقل شده و در میان اهل سنت بر آن اتفاق نظر وجود دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۱۶۳): لذا با وارد ساختن نقدهایی که گذشت، پیکره صدر این روایات نیز بالطبع متزلزل خواهد شد. اما با این وجود و از آنجا که در برخی از روایات، این شرط‌بندی ذکر نشده است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۱۵۱) در ادامه، صدر روایات شأن نزول نیز مورد نقد و ارزیابی قرار خواهد گرفت:

الف) اینکه ایرانیان را افرادی بت‌پرست و همسو با عقاید خرافی مشرکان حجاز بدانیم، پنداری باطل و به دور از صواب و انصاف خواهد بود؛ چراکه قدر متیقن آن است که به گفته مورخان و باستان‌شناسان، در ایران قدیم اثری از بت و بتخانه یافت نشده است. (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۸ / ۲۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۱۶۴) همچنین دانشیان بزرگی همچون ابوریحان بیرونی (در کتاب تحقیق *ما الهیة*) و شیخ اشراق که خود عالمانی از دیار فارس بوده‌اند، ملحد بودن ایرانیان را انکار و بلکه اصرار داشته‌اند که در ایران، حکیم ملحد یا مشرک نداشته‌ایم. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: جلسه ۱)

ب) در سوره مبارکه حج از شش گروه در عرض یکدیگر نام برده شده است که یکی از این طوایف، مجوس و دیگری مشرکان است. این تقابل خود نشان‌دهنده آن است که مجوس، مشرک نیست؛ به عبارتی دیگر در اینجا تفصیل، قاطع شرکت است (تفصیل مجوس از «الذین أشرکوا»، حاکی از عدم اشتراک آن دو با یکدیگر است)؛ لذا ایرانیان که مجوسی و سپس پیرو آیین زردشت شده‌اند را نباید با ثنویانی که احیاناً در گوشه‌ای از این سرزمین پیدا شده‌اند، اشتباه گرفت (جوادی آملی، ۱۳۹۱: جلسه ۱) اکثر مفسران و محدثان شیعه نیز برای ایرانیان مجوس، کتاب و پیامبر قائل بوده و آنها را به اهل کتاب ملحق می‌کنند. (طوسی، بی‌تا: ۵ / ۲۰۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۳۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲ / ۳۳۴؛ شبر، ۱۴۱۲: ۲۰۲) همچنین فقهای شیعه نیز با مجوس، معامله اهل کتاب کرده و لذا فتوا به اخذ جزیه از آنها داده‌اند. (طوسی، ۱۴۰۷: ۴ / ۱۱۳؛ نجفی، ۱۹۸۱: ۲۱ / ۲۳۰ - ۲۲۸)

ج) اصولاً ما باید حساب دولت‌ها و ملت‌ها را از یکدیگر تفکیک کنیم. آنچه که در شأن نزول‌ها

وارد شده و حوادث تاریخی نیز آن را به طور فی الجمله تأیید می‌کند، آن است که دو دولت کافر و ظالم در جهت کشورگشایی و از روی اغراض سیاسی و هواپرستانه با یکدیگر در حال مخاصمه و نبردهای طولانی مدت بوده‌اند. این همان است که قرآن کریم در ضمن برشماری انواع عذاب در سوره انعام می‌فرماید: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا ... أَوْ يُلَيْسَ كُمْ شَيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» (انعام / ۶۵) بنابراین خدا متعال دو گروه ظالم را که بر سر آب و خاک با یکدیگر در حال جنگ بوده‌اند، در هر برهه‌ای از زمان، بعضی را بر بعضی دیگر توله کرده و تسلط بخشیده تا آثار سوء اعمال خود را مشاهده نمایند: «وَكَذَلِكَ نُؤَلِّيُ بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا يَمَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (انعام / ۱۲۹) لذا در اینجا بطلان نظری که حزن و شادی مؤمنان را به خاطر فقدان و اکتساب مجدد بیت‌المقدس توسط روم می‌داند نیز آشکار خواهند شد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۴۶۰)؛ چراکه قبله مسلمانان؛ یعنی بیت‌المقدس در اختیار گروه مؤمنان قرار نگرفت و تنها میان دو دولت ظالم و مستکبر ردّ و بدل شد. بنابراین، این روزهای شکست و پیروزی بر طبق سنت لایتغیر الهی میان مردم دست به دست می‌شود و دولتی رخت بر بسته و دولتی دیگر جایگزین آن می‌شود: «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَكَيْعَلَمَ اللَّهُ...» (آل عمران / ۱۴۰) لذا نه شکست ایران و نه پیروزی روم، هیچ‌یک دالّ بر خوشحالی مؤمنان نخواهد بود و سرّ این شادی را باید در جای دیگری جستجو نمود.

(د) آنچه از آسمای حسنای الهی که در ذیل آیه ۵ این سوره مبارکه مطرح شده است «الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» تعلیل مضمون صدر همین کریمه خواهد بود؛ یعنی این نصرت الهی نصیب مؤمنانی خواهد بود که به رحمت رحیمیه حضرت حق، متنعّم می‌باشند و نه گروه کفار که فقط از رحمت رحمانیه حق برخوردار هستند.

(و) در آیات محل بحث نه صحبتی از خوشحالی مشرکان پس از شکست روم به میان آمده است و نه به ناراحتی مسلمانان در آن هنگام اشاره‌ای رفته است، حتی پس از غلبه روم بر ایران نیز سخنی از اندوهگین شدن مشرکان از این واقعه در میان نبوده و از چهار حالت منطقی ممکن، فقط به ذکر خوشحالی مؤمنان پس از غلبه روم اکتفا شده که نشان می‌دهد احتمالاً این خوشحالی مربوط به قضیه دیگری است.

#### (ب) نظر تطبیق مبتنی بر پیروزی مقارن

در این دیدگاه، گروهی از مفسران، ضمن پذیرش و نقل اخبار مربوط به نظر رایج، پیروزی روم بر ایران را صرفاً مقارن با پیروزی مسلمانان بر کفار قریش در روز جنگ بدر یا صلح حدیبیه می‌دانند. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۳۳؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۱ / ۱۲؛ محلی، ۱۴۱۶: ۱ / ۴۰۷) صاحب تفسیر *المحرر الوجیز* نیز بنا بر



حدیث ابوسعید خدری و ترمذی این نصرت را مقارن روز بدر و بنابر نظر عکرمه و قتاده منطبق بر صلح حدیبیه می‌داند که البته با فرض اخیر در روز بیعت رضوان این خبر به دست مسلمانان رسیده است. (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۴ / ۳۲۸) همچنین تفسیر *الجامع لاحکام القرآن* ضمن نقل آنچه که در تفسیر *المحرر الوجیز* آمده است، این تقارن را به‌عنوان یک وجه محتمل بیان کرده است که در قالب حدیث سفیان آمده و ابوعلیسی آن را حدیثی صحیح و حسن می‌داند. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۴ / ۲)

### نقد و ارزیابی

۱. پذیرش اصل اخبار دالّ بر تقارن این دو واقعه محل اشکال است؛ چراکه اولاً خبر مذکور، حدیث موقوف بوده و سلسله سند آن تا وجود معصوم علیه السلام اتصال ندارد؛ ثانیاً اینها اخبار آحاد می‌باشند که اتکای به آنها بدون شواهد و قرائن کافی و پی‌ریزی شاکله و بنای تفسیری بر پایه آنان بدون دیگر مستندات قرآنی و روایی معتبر، ناصواب بوده و حدّ نصاب حجّیت را در مباحث اعتقادی و تفسیری دارا نخواهند بود؛ ثالثاً وجود تعارض درون این دسته روایات که بعضی ناظر بر روز جنگ بدر و برخی دیگر ناظر بر روز صلح حدیبیه یا بیعت رضوان است، موجب تساقط اعتبار در مجموع این اخبار می‌شود که ترجیح یکی بر سایرین موجب ترجیح بلا مرجّح است.

۲. در صورت قبول این دیدگاه، پیوند و اتصال میان این دو جریان مشهود نیست. توضیح آنکه سیر منطقی بحث با آغاز این سوره از نبرد ایران و روم اقتضای آن دارد که بین تقابل این دو امپراتوری و شادی مؤمنان باید یک ارتباط خاصی محفوظ و ملحوظ باشد؛ در صورتی که در این رویکرد، گویا جریان بحث از سیر اصلی خود به سمت یک پیروزی داخلی منحرف می‌شود.

### ج) نظر مطابقت با واقع مبتنی بر پیشگویی قرآن کریم

در این دیدگاه که از آن با نام پیروزی معنوی نیز یاد شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۳۶۴)؛ روشن شدن صدق ادعای قرآن کریم به دنبال انبیا از آینده، سبب به رخ کشیدن و افتخار مسلمانان بر مشرکان شد. در کتاب *فتح القدر* از قول زجاج نقل شده است که این آیات از جمله آیاتی است که نشان می‌دهد قرآن کریم از سوی خدای سبحان نازل شده است. (شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۲۴۷) به همین منوال عده‌ای از مفسران، این پیشگویی صادقانه قرآن را یکی از نشانه‌های اعجاز آن معرفی کرده و با قرار دادن این مطلب به‌عنوان محور اصلی این فراز از سوره، آیات ابتدایی سوره روم را تفسیر کرده‌اند. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۷ / ۱۷۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۶ / ۱۳۰ - ۱۲۹) باید توجه نمود که در این دیدگاه، اصل تحقق پیشگویی مراد است خواه اینکه سخن بر سر خبر از پیروزی حتمی الوقوع روم بر

ایران باشد یا پیروزی قطعی مسلمانان بر مشرکان در جنگ بدر و از این جهت هر دو را شامل می‌شود؛ هرچند که نظر غالب مفسران ناظر بر راه اول است.

### نقد و ارزیابی

۱. با پذیرش این نظر، «بِنَصْرِ اللَّهِ» به «المؤمنون» تعلق خواهد گرفت. لذا لازم می‌آید تا مؤمنون که همواره نصرت را فقط و فقط از طرف خدای سبحان دانسته و به آن باور دارند، هم در روز پیروزی فارس خوشحال شوند و هم در روز پیروزی روم و این در حالی است که در آیه شریفه شادمانی مؤمنان را به روز غلبه روم اختصاص داده است.

۲. نگاهی به موارد کاربرد «نصر الله» در قرآن کریم نشان می‌دهد که معمولاً این تعبیر در جایی به‌کار می‌رود که خدای متعال، سپاه مؤمنان را بر جنود کافران و شیاطین انس و جن در صحنه نبرد نظامی پیروز کرده و از این طریق و با یاری و استحکام بخشی و استقرار اسلام به روی زمین، زمینه را برای دینداری مؤمنان فراهم نموده باشد. به‌عنوان نمونه چندین آیه در اینجا مطرح می‌شود:

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بَدْرًا وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ ... (آل عمران / ۱۲۳)  
 لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ ... (توبه / ۲۵)  
 وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَخْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ  
 الْكَافِرِينَ. (بقره / ۲۵۰)  
 وَيَنْصُرْكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا. (فتح / ۳)  
 إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ. (نصر / ۱)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود این آیات شریفه که به ترتیب در مورد نصرت الهی به مؤمنان در جنگ بدر، جنگ حنین، نبرد طالوت و جالوت، صلح حدیبیه و فتح مکه است؛ همگی در این نقطه اشتراک دارند که یک جنبه مهم از تقابل بین سپاه کفر و ایمان در صدر اسلام و حتی شرایع پیشین، تقابل فیزیکی و نظامی بوده است که خدای سبحان مؤمنان را در این صحنه تنها نگذاشته و وعده نصرت، پیروزی و یاری آنها را بر خود فرض نموده است. از این رو در همین سوره مبارکه این‌گونه می‌خوانیم: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولًا ... وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ». (روم / ۴۷)

بنابراین تطبیق نصرت الهی بر صرف پیروزی معنوی و ظهور اعجاز قرآن در حوزه نظری، امری ناصواب به نظر می‌رسد. مضاف بر اینکه همان‌گونه که گفته شد متعلق این اخبار از غیب به نظر اول یا دوم مرجوع می‌شود که پذیرش آنها دشوار می‌نمود.

### نظریات مبتنی بر قرائت‌های غیر مشهور

در کنار قرائت مشهور، دو قرائت غیرمشهور دیگر وجود دارد که از مجموع آنها سه نظر در زمینه تبیین شادی مؤمنان قابل برداشت است:

#### الف) نظر تقابل مستقیم

در این نظر، نحوه قرائت دو فعل «غلبت» و «سیغلبون» عکس آن چیزی است که در قرائت مشهور گذشت؛ به عبارتی دیگر فعل «غَلَبَتْ» به شکل معلوم و فعل «سَيَغْلِبُونَ» به حالت مجهول خوانده می‌شود. آلوسی در *روح المعانی* این قرائت را به حضرت علی علیه السلام، ابن عباس، ابوسعید خدری و ... نسبت داده است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۲۱) بر طبق این قرائت، تقابل و نبرد، میان رومیان و مسلمانان رخ داده است و بالطبع نصرت الهی نصیب خود مسلمانان شده است و امپراتوری ایران در این رویکرد نقشی ایفا نمی‌کند. قائلان به این دیدگاه بر این باورند که در جنگ موته (۸ ق-) لشکر روم بر لشکر مسلمانان غلبه کرده، اما در زمان خلیفه دوم و با فتح بیت المقدس توسط مسلمانان در رجب سال ۱۶ ق، وعده قرآن کریم مبنی بر پیروزی نهایی مسلمانان بر رومیان محقق شده و لذا مسلمانان از این پیروزی و نصرت الهی مسرور شده‌اند. (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۸ / ۳۱ - ۳۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۴ / ۲۰۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۲۲ - ۲۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۴۶۷)

#### نقد و ارزیابی

۱. باید توجه داشت که متخصصان فن قرائت برای تشخیص قرائت صحیح از سقیم، ملاک‌ها و ضوابطی تعیین نموده‌اند که از آن جمله نه تنها صحّت سند قرائت به‌عنوان یک شرط لازم، ملحوظ است؛ بلکه به گفته بعضی از دانشیان علوم قرآنی توافق با ثبت مصحف‌های موجود که در طی قرون متمادی ضبط شده‌اند، از دیگر شرایط لازم است. (معرفت، ۱۳۹۲: ۱۹۹ - ۱۹۷) در این میان از سویی قرائت محل بحث در برخی منابع، بدون سند و یا با قید قرائت شاذ ذکر شده است. (البیلی، بی‌تا: ۲۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴ / ۱۲۶) و از سوی دیگر یگانه قرائتی که واجد همه شرایط و ضوابط یک قرائت صحیح می‌باشد، همان قرائت حفص از عاصم می‌باشد که عکس این قرائت غیر مشهور است. (معرفت، ۱۳۹۲: ۲۱۳) لذا قرائت محل بحث مورد پذیرش بزرگان از اهل تفسیر واقع نشده است به‌گونه‌ای که شیخ الطائفه آن را قرائتی غلط و مخالف با نظر جمهور مفسران می‌داند. (طوسی، بی‌تا: ۸ / ۲۲۸)
۲. پذیرش این نظر مستلزم آن است که سوره روم را سوره‌ای مدنی بدانیم که پس از سال هشتم هجری نازل شده است؛ در صورتی که:

یک. این نظر، خلاف نظر مشهور است. فارغ از روایات ترتیب نزول که سوره روم را سوره‌های مکی دانسته‌اند (ابن ندیم، ۱۹۹۷: ۴۲)، نگاهی به درون‌مایه‌ها و رؤوس مطالب این سوره که بر حول محور وعده الهی به روز قیامت دور می‌زند، این حقیقت را آشکار می‌کند که این سوره در مکه نازل گشته است. لذا اکثر مفسران به مکی بودن این سوره حکم کرده‌اند و تنها در مورد آیه ۱۷ و بنابر قول صاحب‌المیزان، در مورد آیات ۳۹ - ۳۸ از این سوره احتیاط کرده و آنها را احتمالاً مدنی دانسته‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۱۸۵ و ۱۵۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۳۵۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۴۵۹؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۷ / ۱۵۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۴۶۶)

دو. قائلان به مدنی بودن این سوره به دو دسته دلیل: ۱. روایت امام محمدباقر علیه السلام در کتاب کافی (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۲۶۹) و ۲. خطبه ۱۵۶ *نهج البلاغه* (صبحی صالح، ۱۴۱۴: ۱۵۶ / ۲۲۰) استناد نموده‌اند که هر دو دسته دلیل با مناقشات جدی روبه‌رو است. (برای مطالعه بیشتر ر.ک: علیانسیب، ۱۳۹۴: ۲۲ / ۷۵ - ۷۴، سلطانی بیرامی، ۱۳۹۵: ۱۷ / ۸۹ - ۸۶)

۳. بر دو مناقشه جدی پیش‌گفته، می‌توان نکته دیگری را نیز اضافه نمود و آن اینکه حجاز و منطقه شبه جزیره در زمان نزول قرآن کریم از پایین‌ترین مرتبه تمدنی برخوردار بوده به نحوی که هیچ‌گاه مورد طمع ابرقدرت‌ها نبوده و جنگی بر سر تصاحب آن صورت نگرفته است؛ در نقطه مقابل، دو تمدن ایران و روم، قوت و قدرت ویژه‌ای داشته و دائماً درصدد دست‌اندازی به حدود یکدیگر بوده‌اند؛ از این‌رو در این چارچوب زمانی، هنگامی که گفته می‌شد روم شکست خورد، این جمله بدان معنا بود که ایران پیروز شد و بالعکس اگر گفته می‌شد که ایران پیروز شد، این جمله حاکی از شکست روم بود. لذا ذکر یک امپراتوری در آن دوران، کفایت از یادکرد دیگر ابرقدرت می‌نمود چراکه به‌سرعت به ذهن مخاطب آن دوران متبادر می‌شد. حال اگر طرف درگیر جنگ، کشور و حکومت ثالث دیگری نظیر لشکر مسلمانان حجاز می‌بود، شایسته بود که نام آن برده شده و مورد خطاب واقع شود نه آنکه کلام بر صیغه غایب جاری شود. لذا تمایل به این نظر، مستلزم دست کشیدن از ظاهر آیه شریفه و اصول عرفی - عقلایی محاوره در عصر نزول است.

۴. در بین قائلان به این قول، تنها احمد احمدی بر نظر خود پای فشرده است و گرنه کسانی که ایشان، سخن خود را بدانها مستند می‌کند، تنها آن را به‌عنوان یک وجه ضعیف و محتمل و با عبارت‌هایی نظیر «قُرِءَ» یا «قِيلَ» نقل کرده‌اند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۴۶۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۲۲ - ۲۱)

### ب) نظر روایی

پس از تتبع در منابع روایی شیعه، دو نوع روایت در این زمینه به چشم می‌خورد. در هر دوی این

روایات از قرائت غیرمشهوری استفاده شده است که البته متفاوت از آن قرائتی است که در رویکرد تقابلی مستقیم مورد بررسی قرار گرفت.

### ۱. فتح ایران در زمان خلفا

بر پایه روایتی که کلینی در کتاب کافی از امام محمدباقر<sup>(ع)</sup> نقل می‌کند، شکست روم از ایران مربوط به زمان پس از توهین و تحقیر به نامه و فرستاده رسول خدا<sup>(ص)</sup> توسط خسروپرویز است. همچنین در ظرف تحقق وعده قرآن کریم، گروه غالب، لشکر مسلمانان در عهد خلیفه دوم و گروه مغلوب، لشکر ایرانیان خواهند بود (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۲۷۰ - ۲۶۹) این روایت با مختصر تفاوتی در تفسیر علی بن ابراهیم قمی نیز نقل شده است. (قمی، ۱۴۰۴: ۲ / ۱۵۲)

### نقد و ارزیابی

۱. ارسال نامه برای پادشاهان ایران و روم در دوران پس از هجرت نبی مکرم<sup>(ص)</sup> به مدینه و در زمان استقرار نسبی حکومت اسلامی صورت پذیرفته است. این در حالی است که طبق نظر مشهور که بحث آن انجام شد، سوره مبارکه روم، سوره‌ای است که در مکه معظمه نازل شده است و بین این دو ماجرا فاصله زمانی زیادی وجود دارد. قدر متیقن آن است که جریان ارسال نامه، متأخر از شکست روم از ایران بوده است؛ در صورتی که در این روایت، شکست روم متأخر از ارسال نامه و برخلاف خواست قلبی مسلمانان دانسته شده است.

۲. مطابق با این روایت، در زمان ارسال نامه‌ها و حتی پس از آن دو امپراتوری روم و ایران در حال نبرد با یکدیگر بوده‌اند. حال از سویی همانگونه که مفسران به درستی اشاره کرده‌اند و در رویکردهای مبتنی بر قرائت مشهور گذشت، پیروزی روم بر فارس، نهایتاً بر زمان صلح حدیبیه در سال ۶ ق منطبق می‌شود؛ از سویی دیگر مورخانی چون طبری و واقدی مرقوم داشته‌اند که زمان ارسال نامه‌ها مربوط به پس از صلح حدیبیه در ذی‌الحجه سال ششم و بلکه در سال هفتم هجری بوده است. (یوسفی‌غروی، ۱۳۹۲: ۳ / ۳۵۴ - ۳۵۳) بنابراین به‌طور قطع در زمان ارسال نامه‌ها نه‌تنها روم از ایران شکست سختی دیده بود بلکه مطابق با پیش‌بینی قرآن کریم و شواهد تاریخی، مجدداً روم بر ایران پیروز شده بوده است و این نوعی تناقض آشکار در متن این روایت است که در زمان این مکاتبات، طرفین را مشغول به درگیری می‌داند.

بنابراین پذیرش این روایت دشوار است و لذا علامه شعرانی در تعلیقه خود بر شرح ملاصالح مازندرانی بر کتاب کافی این روایت را مردود می‌داند. (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۱۲ / ۳۵۸) اما در فرض قبول نیز باید متذکر شد که همانگونه که در صدر و ذیل این روایت، مشهود است، فرمایش حضرت

ناظر بر مسئله تأویل آیه می‌باشد و نه تفسیر آن. شاهد بر این معنا، اتساع در معنای «بضع» مطابق با توضیحی است که معصوم ارائه می‌دهد که برخلاف نظر ارباب لغت بوده و مورد تعجب خود راوی نیز واقع شده است. (برای مطالعه بیشتر ر.ک: سلطانی بیرامی، ۱۳۹۵: ۱۷ / ۹۴ - ۹۲)

## ۲. ظهور حضرت قائم علیه السلام

روایت دیگری نیز در جوامع روایی متأخر از وجود مبارک امام صادق علیه السلام نقل شده است که بر طبق آن، روم بر بنی‌امیه تطبیق شده و خوشحالی مؤمنان به دنبال ظهور و قیام حضرت حجت علیه السلام و غلبه بر امویان رخ خواهد داد. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۰ / ۱۷۶ - ۱۷۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۴ / ۳۳۵)

## نقد و ارزیابی

مشابه آنچه که در مورد روایت پیشین عرضه شد، باید گفت که این سنخ از روایات، ناظر بر تأویل آیه است. لذا در روایتی دیگر که صاحب *تفسیر نورالتقلین* در کتاب خود آورده است، با تصریح به واژه «تأویل»، امویان از سنخ رومیان دانسته شده‌اند. (حویزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۱۶۹) البته در این روایت، برخلاف روایات پیشین در این باب، این بنی‌العباس هستند که بر بنی‌امیه غالب خواهند شد و نه وجود مبارک حضرت مهدی علیه السلام همین اختلاف و گونه‌گونی تعبیر، گویای آن است که امام معصوم علیه السلام درصدد جری و تطبیق یا بیان تأویل آیه است و گرنه این روایات با جریان تفسیر ظاهری هیچ‌گونه همخوانی و سازواری ندارند.

## نظر برگزیده

این پژوهش بر این باور است که حکم خوشحالی مؤمنان با تعبیر «بنصرالله»، تقیید شده است. بنابراین این نصرت الهی است که در تعلیل این شادمانی موضوعیت و شأنیت داشته و تبیین‌کننده آن خواهد بود. لذا همانگونه که پیش از این در بخش ج (نظر مطابقت با واقع مبتنی بر پیشگویی قرآن کریم) ملاحظه شد، این نصرت الهی، نصرتی از سوی خدای عزیز رحیم است که از سویی تنها بر گروه مؤمنان قابل اطلاق است و از سوی دیگر مفهومی وسیع را شامل می‌شود که قابل انطباق بر تمام پیروزی‌های مسلمانان در صدر اسلام می‌باشد.

اکنون ما با دو سؤال اساسی در این زمینه روبه‌رو می‌باشیم؛ نخست آنکه این نصرت الهی چیست و چه خصوصیتی دارد؟ و دوم آنکه این نصرت چه طیفی را دربر خواهد گرفت؟ در پاسخ به پرسش نخست می‌گوییم که تدبیر و تتبع در مفاهیم سوره مبارکه روم نشان می‌دهد که صدر و ساقه سوره روم در باب دلگرم ساختن مؤمنان و شخص نبی اکرم صلی الله علیه و آله به وعده‌های الهی است.

پس غرض اصلی از این سوره همان انجام وعده قطعی بر نصرت و پیروزی و غلبه دین اسلام و کلمه توحید بر شرک و کفر و بت‌پرستی است که افتتاح این سوره مبارکه با وعده غلبه روم بر فارس، به مثابه نشانه‌ای خواهد بود تا با تحقق آن، مؤمنان بر وعده اصلی نصرت دین حق از سوی خدای متعال یقین حاصل کنند. همچنین در ادامه به دنبال سیر منطقی و عقلی بحث، خدای سبحان از این دو وعده به وعده تخلف‌ناپذیر قیامت و یوم‌البعث منتقل می‌شود که در آن روز با انکشاف غطاء از چشم کفار، نصرت دین الهی و گروه مؤمنان بر همگان آشکار خواهد شد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۱۵۴) از این رو در آیه ۶ همین سوره بلافاصله پس از اتمام فراز قبلی در مورد داستان غلبه روم بر فارس، سخن از وعده الهی و ضروری‌الوقوع بودن آن به میان می‌آید. به‌طور مشابه در آیات ۳۰ و ۴۳ همین سوره مبارکه ضمن دستور به پیامبر اکرم ﷺ و مؤمنان مبنی بر استقامت در سبیل دین حنیف و قیام، به کافران هشدار داده و گوشزد می‌کند که قبل از فرا رسیدن و مشاهده تأویل اعمال ناشایست خود در قیامت، از تحقق وعده اول (پیروزی روم بر فارس) و وعده دوم الهی (نصرت و یاری دین حق با استقرار حکومت اسلامی در مدینه به دنبال شکست‌های نظامی کفار)، درس عبرت گرفته به دامن اسلام پناهنده شوند. از این جهت در آخرین آیه، رسول خود را مخاطب ساخته و او را بر استقامت و تداوم بر این مسیر توصیه می‌نماید: «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ» (روم / ۶۰) بنابراین در مجموع این نکته روشن خواهد شد که اولاً این نصرت الهی، همان وعده قطعی خدای سبحان بر نصرت و غلبه دین خواهد بود و ضرورتی نخواهد داشت که لزوماً در همان روز غلبه روم بر ایران، یا رسیدن خبر آن به مسلمانان، این وعده محقق شود، بلکه نشانه‌ای بر آن خواهد بود که مؤمنان را مسرور و دلگرم به انجام وعده دوم می‌سازد؛ ثانیاً هر گونه تحدید و تضییق در مفهوم این نصرت و انطباق آن بر جنگ بدر یا صلح حدیبیه، خلاف اطلاق این وعده و مطرود خواهد بود. در این راستا، روایاتی که در رویکرد روایی مورد بحث و بررسی قرار گرفت، مؤید و شاهد خوبی محسوب خواهد شد که بر حول محور نصرت و غلبه دین حتی پس از رحلت نبی مکرم اسلام ﷺ هم داستان بودند هرچند که مجدداً تأکید می‌شود این روایات از باب تأویل آیه می‌باشند و نه تفسیر آن.

در پاسخ به سؤال دوم باید ابراز داشت که این نصرت الهی فقط شامل حال مؤمنان، «بِمَا أَنهَمُ مُؤْمِنُونَ» خواهد شد، چنان‌که در بخشی از آیه ۴۷ همین سوره می‌خوانیم: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رَسُولًا ... وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» (روم / ۴۷) بنابراین وصف «مؤمنون» نیز در آیات محل بحث در کنار وصف «بنصرالله» شایستگی می‌یابد و خالی از این إشعار نیست که جهت قرارگیری تحت شمول این گزاره قرآنی، برخورداری از وصف ایمان، شرط لازم است.

اینکه ابتدای این سوره به منظور بیان همان غرض معروض با ذکر داستان دو قوم درگیر نبرد نظامی آغاز می‌شود؛ از روی حکمت و مقاصد خاصی است. همچنین اینکه در جریان این پیروزی و شکست به ذکر مغلوب (روم) اکتفا می‌شود، خود این لطیفه را دربردارد که متناسب با فضای مکه قبل از هجرت که موضع ضعف مسلمانان از نظر عِدّه و عُدّه در برابر کافران است، خدای سبحان در قالب این داستان، آنان را به ادامه مبارزه و ناامید نشدن از وعده الهی فرامی‌خواند تا نصرتی را که در فضای آن زمان، امری باورنکردنی بود به چنگ آورند. این جریان همان گونه که پیش از این گفته شد، مشابه غلبه روم بر ایران است که مسبوق به موضع ضعف آنان در جنگ با ایران بود به گونه‌ای که هرقل، پادشاه روم در آن گیرودار از خسرو پرویز تقاضای صلح کرد که البته مورد موافقت واقع نشد. غرض آنکه کسی باور نمی‌کرد که این لشکر شکست‌خورده روم بتواند روزی بر امپراتوری بزرگ ایران فائق آید.

### نتیجه

در این پژوهش، رویکردهای گوناگون نسبت به موضوع چرایی خوشحالی مؤمنان در آیات ابتدایی سوره مبارکه روم مطرح و مورد نقد و ارزیابی قرار گرفت. به‌طور کلی این نظرها به همراه نظر برگزیده را می‌توان در قالب جدول ذیل به شش گروه تقسیم‌بندی نمود که بر سه نوع قرائت از آیات شریفه مبتنی خواهد بود:

ردیف	نظر	قرائت	صیغه فعل «غلبت»	صیغه فعل «سیغلبون»
۱	رایج	مشهور	مجهول	معلوم
۲	تطبیق			
۳	مطابقت با واقع			
۴	تقابل مستقیم	غیر مشهور	معلوم	مجهول
۵	فتح ایران در زمان خلفا ظهور حضرت قائم <small>علیه السلام</small>		مجهول	مجهول
۶	برگزیده	مشهور	مجهول	معلوم

مطابق نظر برگزیده و نقدهای وارد بر سایر نظرها، می‌توان اعلام داشت که ضمن پذیرش قرائت مشهور، هم‌نشینی تعابیر و کلیدواژه‌هایی چون: «یفرح المؤمنون»، «بنصرالله» و «وعد الله»، حاکی از آن است که این شادی، به سبب نصرتی است که در قالب وعده الهی مطرح شده است. به دنبال تحقق پیشگویی و وعده الهی مبنی بر غلبه روم بر ایران در کمتر از یک دهه، مؤمنان به وعده الهی،



از این رخداد شادمان گشته و بر انجام وعده دیگر الهی که همان نصرت دین حق در تمام ابعاد آن است، منتقل گشته‌اند. لذا گرچه اصل تحقق صادقانه این پیشگویی، موجب فخر مؤمنان بر خصم شده است؛ اما نمی‌توان آن را علت اصلی شادی مؤمنان تلقی نمود؛ به عبارت دیگر، وقوع این رخداد، نقشی موثر و غیرقابل انکار در ایجاد اطمینان به وعده‌های الهی برای گروه مؤمنان ایفا نموده که جهت شادی آنان، امری لازم و ضروری بوده است. نگارندگان با فحص و جستجوی خویش، تنها نظر صاحب *تفسیر المیزان* را با نظر برگزیده هم راستا می‌داند که البته در این پژوهش از مرحله اجمال به تفصیل وارد شده است. از این رو برخلاف نظر رایج، این شادی، ناشی از وعده نصرتی است که نصیب خود مسلمانان بما آنهم مؤمنون (و نه به جهت غلبه یک گروه ظالم بر گروه ظالم دیگر) شده است. این نکته نیز نباید مورد غفلت واقع شود که تزییق دایره این پیروزی و تطبیق آن بر جنگ بدر، صلح حدیبیه، فتح مکه، فتوحات زمان خلفا و ظهور امام زمان، آرائی ناتمام بوده که منافی با نگاه کلان‌نگر و جامع به این آیات و غرض اصلی سوره خواهند بود؛ بلکه چنین مواردی در قالب مصادیقی بارز از نظر برگزیده قابل پذیرش خواهند بود که برخی در حوزه تفسیر و بعضی دیگر در حوزه تأویل جای خواهند گرفت.

## منابع و مأخذ

### الف) کتاب‌ها

- *قرآن کریم*، ۱۳۹۴، ترجمه حسین انصاریان، قم، دارالعرفان.
- *نهج البلاغه*، گردآوری سید رضی، تصحیح صبحی صالح، ترجمه سید جعفر شهیدی.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق اسعد محمد طیب، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن جوزی، عبدالرحمن، ۱۴۲۲ ق، *المسیر فی علم التفسیر*، تحقیق عبدالرزاق المهدي، بیروت، دارالکتب العربی.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ ق، *المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیه.

- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق محمدحسین شمس‌الدین، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، ۱۹۹۷ م، *الفهرست*، بیروت، دارالمعرفة.
- باقلانی، ابوبکر محمد بن الطیب، ۱۴۲۱ ق، *اعجاز القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- البیلی، احمد، بی تا، *الاختلاف بین القرائات*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- پیرنیا، حسن، ۱۳۷۵، *تاریخ ایران باستان*، تهران، ذبیای کتاب.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، *تفسیر سوره روم*، نسخه اینترنتی موجود در سایت: [www.portal.esra.ir](http://www.portal.esra.ir)
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۴، *حقیقت و تأثیر اعجاز*، تحقیق و تدوین عباس فتحیه و جعفر آریانی، قم، اسراء.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نورالثقلین*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان.
- خان، وحیدالدین، ۱۳۸۶، *اسلام به مبارزه می‌طلبد*، ترجمه نذیر احمد اسلامی، زاهدان، سنت احمد.
- خوئی، سید ابوالقاسم، بی تا، *البيان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- زرکشی، محمد بن عبدالله، ۱۴۱۰ ق، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالمعرفة.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر محمود، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دارالکتب العربی.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی.
- سیوطی، جلال‌الدین، بی تا، *معترك الأقران فی إعجاز القرآن*، بی جا، دارالفکر العربی.
- شبیر، عبدالله، ۱۴۱۲ ق، *تفسیر القرآن الکریم*، بیروت، دارالبلاغه.
- شوکانی، محمد بن علی، ۱۴۱۴ ق، *فتح القدير*، دمشق و بیروت، دار ابن کثیر و دارالکلم الطیب.
- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.

- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان عن تأویل ای القرآن*، بیروت، دارالمعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ ق، *تهذیب الأحکام*، تحقیق حسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- عاملی، جعفر مرتضی، ۱۳۷۲، *اهل بیت در آیه تطهیر*، ترجمه محمد سپهری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر الصافی*، تحقیق حسین اعلمی، تهران، الصدر.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق حسین درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ ق، *تفسیر القمی*، تحقیق و تصحیح طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتاب.
- کاشانی، فتح‌الله، ۱۳۳۶، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی.
- کریستن سن، آرتور، ۱۳۶۸، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مازندرانی، محمد صالح، ۱۳۸۲ ق، *شرح الکافی: الأصول و الروضه*، تهران، المكتبة السلامیه.
- محلی، جلال‌الدین و جلال‌الدین سیوطی، ۱۴۱۶ ق، *تفسیر الجلالین*، بیروت، مؤسسة النور.
- معرفت، محمد هادی، ۱۳۹۲، *علوم قرآن*، قم، التمهید.
- مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۴ ق، *تفسیر الکاشف*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نجفی، محمد حسن، ۱۹۸۱ م، *جواهر الکلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- یوسفی غروی، محمد هادی، ۱۳۹۲، *تاریخ تحقیقی اسلام (موسوعة التاریخ الاسلامی)*، ترجمه حسینعلی عربی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

**ب) مقاله‌ها**

- احمدی، احمد، ۱۳۷۷، «تفسیر قرائتی دیگر از آیات اول سوره روم»، **بینات**، ش ۱۸، ص ۳۱-۲۶، قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام.
- سلطانی بیرامی، اسماعیل و محمد امیدیان، ۱۳۹۵، «بررسی پیشگویی قرآن براساس قرائات گوناگون آیات ابتدایی سوره روم»، **قرآن شناخت**، ش ۱۷، ص ۹۷-۷۴، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- علیانسیب، سید ضیاءالدین و عزیزه اصغری، ۱۳۹۴، «تفسیر پیشگویی قرآن از پیروزی روم بر فارس»، **مطالعات تفسیری**، ش ۲۲، ص ۸۶-۶۷، قم، دانشگاه معارف اسلامی.